خراسان رضوی

صفحه آخر

سه شنبه
۱۸ مهر ۱۳۹۶
۱۹ محرم ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۶۸۴

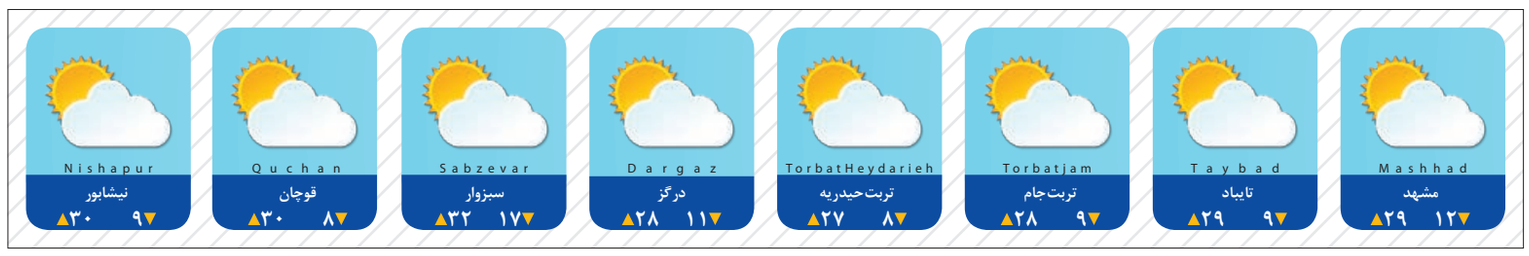

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

دل بستگی به دنیا، عقل را فاسد می کند، قلب را از شنیدن حکمت ناتوان می سازد و باعث عذاب در دناک می شود.
(مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل ج ۱۲، ص ۴۱)

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی! این دل من کان حسرت است و تن من مایه درد و غم
خدایا! نیارم گفت که این همه چرا بهره من.
الهی! تا مهر تو پیدا گشت همه مهر با جفات
و تا نیکی تو پیدا گشت همه جفاها وفا گشت.

با شاعران

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

حامد بهداد به صحبت های جنجالی رئیس سازمان نظام پزشکی درباره درگذشت عباس کیارستمی، واکنش نشان داد. به دنبال صحبت های ایرج فاضل (رئیس سازمان نظام پزشکی) مبنی بر این که «در پرونده پزشکی عباسی کیارستمی از کاه کوه ساختند» حامد بهداد در یادداشتی اختصاصی برای روزنامه سینما نوشت: قضیه شکل اول، شکل دوم.
شکل اول: فرض کنیم و بپنداریم، اگر آقای فاضل، مرگ عالی جناب عباس کیارستمی و علت اش را کاه می پندارد، برخاسته از میزان نظر واقعی اش در این باره است و نه خدای ناکرده از سر بی انصافی و توهین و زین قبیل!
شکل دوم: فرض کنیم و می دانیم که اگر همین ایشان، کیارستمی و مرتبه بلند وی را می شناخت، در حسرت نبود این قله رفیع فرهنگی و طنش، زار می گریست و دست کم فقدانش را کاه نمی خواند.
فرض محال: ای کاش عالی جناب کیارستمی از نخست در بیمارستان آراد بستری می شد.

سپند امیر سلیمانی در تازه ترین پست اینستاگرامی خود این قاب مشترک با رضا عطاران و امیر مهدی ژوله را منتشر کرد.

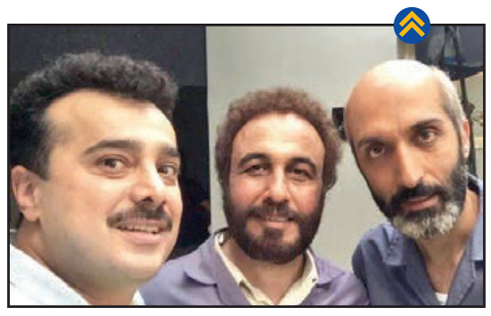

تصویری از شکوفه دادن درخت گیلاس در نیمه ماه مهر در نیشابور

نمای تاریخی

تصویری از حرم مطهر و فلکه پیرامون آن از جهت پایین خیابان - ۱۳۵۵هـ ش (مزار پیر پالان دوز هم در سمت راست و پایین تصویر دیده می شود.)

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۴۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۲۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۶۵۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۸۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۶۰۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۶۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۷۰۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۰۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۷۵۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ کیلویی			

قصه های ناتمام

صالحی

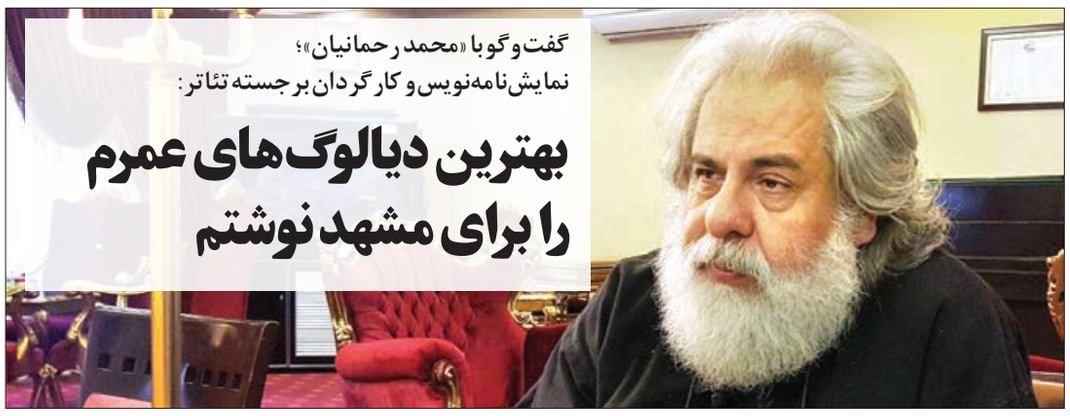

گفت و گو با «محمد رحمانیان»؛ نمایش نامه‌نویس و کارگردان برجسته تئاتر:

بهترین دیالوگ‌های عمرم را برای مشهد نوشتم

نامش در زمره بهترین کارگردانان تئاتر ایران ثبت شده است. او شاگردی استادان بزرگی را در کارنامه خود دارد و هر بار که حرفی از این رشته پیش کشیده می‌شود، به ادب، یادی می کند از آن‌هایی که پیش از او این مسیر را هموار کردند. «محمد رحمانیان»، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان و مدرس تئاتر و همسر مهتاب نصیر پور، بازیگر شهیر سینما؛ تئاترهای بسیاری را طی سه دهه حضورش در عالم هنرهای نمایشی روی صحنه برده است. اما مخاطبانش او را بیشتر با تله تئاترهای تلویزیونی اش چون «نیمکت»، «توی گوش سالمم زمزمه کن» و «خانه های اجاره ای» به یاد دارند. یکی از تازه‌ترین آثار او فیلم تئاتر «آینه‌های روبه‌رو» بود که به تازگی اجرای آن به اتمام رسید. اثری متفاوت که ۳۷ سال بعد از نگارش توسط بهرام بیضایی، محمد رحمانیان آن را بر صحنه برد و از قضا توجه مخاطبان را به خود جلب کرد. حضور این استاد بر جسته در مشهد، بهانه‌ای فراهم کرد برای یک گفت و گو با او از حال هوای تئاتر و هنر تا علایق و آرزوهایش:

کارگردان آوانگارد

تئاتر برای او از مدرسه و ساعت‌های فراغت از مشق و درس آغاز می‌شود. از فراز همان صحنه، عاشق این هنر می‌شود. همان سالی که دیپلم می گیرد، جنگ هم آغاز می شود و این یعنی یک دگرگونی بزرگ برای او. در ۱۹ سالگی، اولین نمایش نامه مستقل کشور را با عنوان «سرود سرخ برادری» می نگارد که این اثر به نام رحمانیان در یک کتاب به ثبت رسیده است. بعد از آن عالم هنرهای نمایشی رنگ و لعاب جدی تری برایش می گیرد. محمد رحمانیان غالب نمایش نامه هایش را نخستین بار خودش اجرا کرده است. از آن روزهای جوانی تا به امروز، زمان زیادی سپری شده است اما رحمانیان تاکید دارد: تمام این مسیر یک تلاش بزرگ برای بهتر شدن و پا جای پای استادان این رشته گذاشتن، بود.
دوره خاصی برای بازیگری ندیده اما نمایش نامه های بیضایی، رادی، آرتور میلر و آنتوان چخوف برایش بزرگ‌ترین کلاس درس بوده‌اند. خودش در خصوص این تاثیرپذیری می گوید: «کار تلویزیونی «نیمکت» باز خورد اولین تجربه‌هایم با نمایش نامه‌های ابراهیم مکی بود.» از این مقطع به بعد، شناخته می شود و کارش را با مرحوم جمشید اسماعیل خانی، در نمایشی با عنوان «عروسک ها و دلقک ها» در سال ۱۳۶۳ پی می گیرد.

هنوز هم اولویتم رسانه ملی است

در قالب همکاری با گروه های کودک، اجتماعی و فیلم و سریال تلویزیون، فصل دیگری از کارنامه هنری‌اش را در صداوسیما دنبال می کند. او تعریف می کند: عاشق کار با تلویزیون و سه دوربین بودم. اگر الان هم بپرسند، بین صحنه، سینما و تلویزیون کدامیک را انتخاب می کنم، هنوز هم اولویتم رسانه ملی است اما حیف... (این «حیف» را به چاشنی آهی می گوید تا بپرسیم سرنوشت همکاری‌اش با تلویزیون چه شد؟) با تاکید می گوید: نه آن‌ها علاقه دارند با من کار کنند و نه من با آن‌ها.
می پرسیم، دوست نداشت بازیگر شود، چرا کارگردانی؟ صریح پاسخ می دهد: من از اول قرار بود، کارگردان باشم. نمایش نامه نویسی برای من اتفاقی بود. البته آن طور که چهره های این عرصه مانند چرمشیر، امجد و محمد رضایی راد کارهای بزرگی ارائه داده‌اند، هیچ‌وقت عنوان نمایش نامه نویس را بر خودم نمی گذارم.

«نوید محمدزاده‌ها» کم نیستند

این کارگردان تئاتر کشور با اشاره به فضای آکادمیک دانشگاه و تاثیر آن بر آموزش فعالان این حوزه بیان می کند: بهترین اتفاقی که در دانشگاه برای علاقه مندان به هنرهای نمایشی می افتد، این است که بچه‌ها همدیگر را پیدا و بعضی تعالیم اولیه را نیز دریافت می کنند، اما این کافی نیست. هنرجویان باید فعالیت‌هایی خارج از برنامه دانشگاهی‌شان داشته باشند تا بنیه اجرایی خوبی به دست آورند. از سوی دیگر باید از مسیر مطالعه که این روزها در میان جوانان کم‌رنگ‌تر شده است، پایه‌های هنری خود را تقویت کنند. دانشجویان امروز با آثار خارجی، تاریخ نمایش نامه نویسی ایران و حتی با تئاترهای موجود بر صحنه نیز بیگانه‌اند. امسال بعد ۱۲ سال کارگردانی، می خواستم تدریس کنم. از دیدن این همه بی‌اطلاعی دانشجویان حیرت زده شدم و پس از سه روز دانشگاه و تدریس را رها کردم. آن کسی که می خواهد، کارگردان، نمایش نامه‌نویس یا هنرمند شود ولی وقت لازم را برای مطالعه ندارد، بهتر است بوتیک باز کند. به رغم انتقاداتی که به میزان دانش هنرجویان جوان امروز دارد، وقتی نوبت به بیان دیدگاهش در خصوص توان و استعداد بازیگران تئاتر می رسد، آن‌ها را «عالی» خطاب می کند و ادامه می دهد: با وجود بی میلی به مطالعه، شاهد ظهور بازیگران خوبی در تئاتر و سینما هستیم که به سرعت جای نسل‌های قدیمی‌تر را پر می کنند. امثال «نوید محمدزاده» را در این عرصه کم نداریم.

نویسندگان وطنی پیشتازترند

از او می خواهیم یک کتاب را از میان آثار مورد علاقه‌اش نام ببرد، سری تکان می دهد و می گوید: «نمی شود انتخاب کرد، چون به بقیه کارها ظلم می شود... حتی آثار خارجی»؛ اما اولویت‌های مطالعه را در زمینه نویسندگان به ترتیب دوره کلاسیک یونان، عصر نئوکلاسیک الیزابت، رمانتیک‌ها، رئالیست‌ها و بالاخره آثار مدرن قرن بیستم برمی شمارد. همچنین توصیه می کند از «سوفوکل» شروع کنند؛ به خصوص نمایش نامه «آنتیگون» که اثر بالینی این رشته است یا «اُدیپ» که برای آموختن و سیر مطالعاتی بسیار مناسب است.
به نظر رحمانیان، آثار نمایش نامه‌نویسی ایرانی ارزشی کمتر از بزرگ‌ترین آثار نمایشی جهان ندارد و در برخی نوشته‌ها حتی یک سر و گردن بالاتر است. وی خاطرنشان می کند: به عنوان نمونه آثار بیضایی را جدیدتر و مدرن‌تر از برتولت برشت می بینم یا آثار آنتوان چخوف را می توان با کارهای رادی مقایسه کرد. از دهه ۴۰ تاکنون صرف نظر از برخی انقطاع‌های تاریخی، ادبیات نمایشی خوبی تولید کرده‌ایم. حتی نویسندگان مادر زمینه درام‌نویسی بسیار بهتر از ادبیات داستانی عمل کرده‌اند. از آن جایی که ادبیات داستانی با اقبال عام مواجه است، بیشتر دیده می شود ولی ادبیات نمایشی از نظر کیفیت و خدمتی که به زبان فارسی می کند، از ادبیات داستانی جلوتر است.
دو فیلم سینمایی ساخته است ولی برای دریافت مجوز ساخت فیلم‌نامه «آدمکش» گلایه‌هایی دارد. می گوید: تنها فیلم‌نامه‌ای که بدون مجوز و دغدغه ساختم، فیلم بلند «کنسل» در کشور کانادا بود. به قول خودش، «آدمکش» کاری است که دوست دارد انجام دهد ولی تاکنون موفق به ساخت آن نشده است. این هنرمند تاکید می کند: کارگردان به یک باره تصمیم نمی گیرد، کاری را در سینما یا دیگر مدیوم‌ها شروع کند. گاه کارگردان امکان تعریف برخی از نوشته‌ها را تنها در یک مدیوم دارد. مثلا شیوه متفاوت اجرای «پسران طلایی» فقط امکان تلویزیونی شدن داشت، با آن روش نمی شد آن کار را در تئاتر اجرا کرد. رحمانیان، یکی از بهترین فیلم نامه‌نویسان و کارگردانانی که کارهایش را می پسندد، محمدرضایی راد معرفی می کند.

سالن استاندارد نداریم

باور دارد که تماشاچی خیلی زود بازی‌های خوب و بد را تشخیص می دهد. کار نمایشی بسیار حساس است زیرا با ضعف در یک جزء نمایش و بازی‌ها، همه کار از بین می رود. شاید به دلیل جلوه‌ها و امکانات ویژه سینما، تشخیص برای بیننده سخت‌تر باشد. در تئاتر، عواملی چون حضور، صدا و بدن خوب، برای هنرمند لازم است که با سال‌ها تمرین، ممارست، تجربه و تمرکز حاصل خواهد شد. تربیت حس، مبحث فراموش شده حضور یک بازیگر نمایش روی صحنه است. در مقطعی که ما شاگردی می کردیم، استاد حمید سمندریان روی این موضوع خیلی حساس بود تا بازیگر بتواند انواع احساسات وجودی‌اش را بسته به روایت به نمایش بگذارد. وی ادامه می دهد: اکنون خودم در بحث پلاتوها، کلاس‌های مستقلی را به صورت شخصی اداره و در آن‌ها روی این مفاهیم مهم اما مغفول، با شاگردانم کار می کنم. تمایلی به کار تحت نظر آموزشگاه‌های هنری ندارم، چرا که اصول و سبک کارشان و روش تدریس استادان مدعو، با کار یک استاد دیگر همخوانی ندارد. رحمانیان، بزرگ‌ترین مشکل امروز تئاتر کشور را «سخت افزاری» می داند و با نگرانی می گوید: سالن نمایش امن و حرفه‌ای نداریم. باز با تاکید تکرار می کند: «حتی یک سالن با استانداردهای روز جهان در کشور مان نساخته‌اند» و هر اتفاقی به هر ابعادی در این سالن‌ها بیفتد، فاجعه‌بار خواهد بود. حتی سالن‌های خصوصی ما نیز دارای این مشکل هستند که تهران و شهرستان هم ندارد. امسال پنجاهمین سال گشت سالن نمایش رودکی است و ۵۲ سال هم از عمر بنای تماشاخانه سنگلج می گذرد.

قرارداد صحنه برای هنرمندان

تعریف این هنرمند از جهان صحنه و نمایش این گونه است: صحنه برای بازیگر و گروه اجرایی، یک جهان وسیع‌تر است که شاید در یک قاب صحنه خلاصه شود. صحنه یعنی این قرارداد که خانه‌ای با چهار دیوار وجود دارد و یک دیوارش را به نفع تماشاگر برداشته‌اند و همه بازیگران به سمت یک دیوار صحبت می کنند تا تماشاچی ببیند. به شخصه، تئاترهای محیطی را دوست دارم چون این قراردادها را برهم می زند و از چارچوب تنگ صحنه می گریزد. طرح نمایشی جدیدش که قرار است از اول آذر به مدت یک ماه در پردیس شهرزاد تهران روی سن برود، قسمت دوم نمایش «ترانه های قدیمی» با عنوان «پیکان جوانان» است. همچنین شش ماهی است که روی نمایش «لاله زاری ها» پژوهش می کند. «لاله زاری ها»، داستان تحولات ساکنان این خیابان تاریخی را در سال ۱۳۵۸ و در حالی که تنها چند ماهی از آغاز انقلاب گذشته است، روایت می کند. در صورت نگارش این اثر، آن را طی سال آینده به اجرا در می آورد.

دیالوگ ماندگار

معتقد است که یکی از بهترین نمایش نامه‌هایی که نوشته درباره مشهد است. نمایش «مسافران» رحمانیان با تِم مذهبی، سال ۱۳۹۵ و در اختتامیه چهارمین دوره جشنواره تئاتر رضوی، در تالار وحدت روی صحنه رفت. او در این باره می گوید: بهترین دیالوگ‌هایی که در عمرم نوشتم، در آن کار آورده‌ام. وی به جز مطالعه، تماشای فیلم و گوش دادن به موسیقی را نیز دوست دارد؛ البته انتخاب یک ملودی را بسته به حسی که در آن لحظه دارد، مشروط می کند، نه یک سبک یا خواننده خاص. تعدادی از کارهای رحمانیان، موسیقی-نمایش بوده‌اند. در پایان صحبت‌مان با لبخندی می گوید: تمام عمرم از درس خواندن و سفر کردن بیزار بودم، از قضا تمام عمرم به تحصیل و تدریس و سفر گذشت.

پیوست

خاطره شنیدنی محمد رحمانیان از نمایشی با بازی «خسرو شکیبایی» و «امیر آقالو» را امروز در کانال «اخبار خراسان» تماشا کنید.

@akhbaarekhorasan

با داشتن اپلیکیشن QR خوان و اسکن کردن کد رمز به راحتی عضو کانال اخبار خراسان شوید

یادداشت

سعید کاظمی

رئیس اداره فرش سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

چالش های پیش روی فرش دست باف و راهکارهای خروج از آن

فرش دست باف در زمره کالاهای غیرنفتی قرار می گیرد و جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشور دارد. این صنعت در زمینه ایجاد اشتغال مولد، ارزش افزوده و ارزآوری، جایگاه در خوری دارد که باید تقویت شود. در واقع از همان آغاز، اشتغال و ایجاد درآمد، یکی از علل مهم برای توسعه هنر و صنعت قالی بافی در مناطق مختلف ایران بوده است، به گونه ای که هم اکنون بخشی از اقتصاد روستایی و عشایری کشورمان به این حوزه وابسته است.
باید تاکید کنیم که صنعت فرش دست باف ایران متاثر از ویژگی های برجسته فرهنگی و هنری، به سبب نقش قابل ملاحظه ای که در تولید و صادرات و اشتغال زایی داشته، در دهه های اخیر یکی از منابع مهم ارزآوری در اقتصاد کشورمان بوده است. این کالای سنتی شهرت جهانی زیادی دارد. در بسیاری از کشورها هنر ایرانی را فرش دست باف معرفی کرده است.
به بیان دیگر نگاهی به ویژگی ها، قابلیت ها و امکانات بالقوه قالی بافی، نظیر قابلیت ایجاد، رشد و توسعه در تمامی مناطق، ناچیز بودن نسبت سرمایه گذاری به سودآوری، سهولت آموزش و یادگیری و از همه مهم‌تر ارزش افزوده بسیار زیاد فرش بافی و امکانات استثنایی آن از نظر صادرات، موید آن است که قالی بافی، برای اشتغال جنبی روستاییان و عشایر بسیار مهم و تعیین کننده است.
استان خراسان رضوی نیز یکی از استان های پیشرو در این عرصه و دارای بستر مناسبی برای تولید فرش دست باف است. این استان هم اکنون سهمی حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد در تولید فرش کشور دارد. از دلایل عمده این امر، ظرفیت زیاد منطقه چه از نظر مواد اولیه و چه از نظر پایین بودن میزان دستمزدهاست و این ظرفیت‌ها، بسیاری از تولیدکنندگان را از مناطق دیگر ترغیب به سرمایه گذاری در استان می کند. هم اینک شهرستان های نیشابور، مشهد، سبزوار، کاشمر، قوچان، تربت حیدریه، تربت جام، گناباد، بردسکن و درگز اصلی ترین مناطق تولید فرش در استان و حدود ۹۰ هزار قالی باف در قالب کارگاه های خانگی و مجتمع های متمرکز و غیر متمرکز در این حرفه مشغول فعالیت هستند که از میان این تعداد بافنده، حدود ۱۵ هزار نفر تحت پوشش بیمه بافندگان فرش قرار دارند و علاوه بر این ۲۱ اتحادیه صنفی تولیدکنندگان و بافندگان فرش دست باف در استان فعال هستند.
بر اساس ارزیابی های انجام شده در چهار ماه نخست امسال، ۱۶۹ هزار دلار فرش دست باف از گمرک های استان به مقصد بحرین، اسپانیا، قطر، ایالات متحده آمریکا، کویت و افغانستان صادر شده است. این میزان از صادرات شامل انواع فرش دست باف، قالیچه و ... است که در اندازه ها و طرح های مختلف به طور عمده، قالی بافان استان تولید کرده اند. حال به رغم این که فرش بافی در این استان به عنوان هنر مردمی و یکی از راه های معیشت بعد از کشاورزی رونق داشته اما با توجه به صنعتی شدن شهرها، جایگاه آن دستخوش تلاطماتی شده است. هم اکنون استان با تولید میانگین ۶۵۰ هزار متر مربع انواع فرش دست باف شامل فرش های بزرگ سفارشی، مصارف خانگی، صادراتی و همچنین انواع فرش های تزیینی (تابلوفرش)، بزرگ‌ترین تشکل های تولیدی مرکز استان و دیگر نقاط آن را مدیریت می کند.
البته ناگفته نماند طی سال های اخیر، کاهش صادرات فرش دست باف متاثر از عوامل داخلی و خارجی نیز بوده است. چنان که بیش از چهار سال است که آمریکا واردات فرش ایرانی را به خاک خود ممنوع کرده است. حال آن که پیش از این تحریم، ۲۵ درصد فرش دست باف ایرانی به این کشور صادر می شد. علاوه بر این، وقوع رکود اقتصادی در بعضی بازارهای هدف از جمله برخی کشورهای اروپایی و همچنین ناآرامی های سیاسی و بحران در برخی کشورهای عربی که مشتری فرش ایرانی بودند، به کاهش صادرات فرش دامن زد. علاوه بر آن عوامل غیرمستقیمی نیز روی صادرات این محصول تاثیر گذاشت، به طور مثال از یک سو، پیامدهای تحریم‌های عمومی کشور که در برخی مواقع به افزایش هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل منجر شد و از سوی دیگر ورود کالاها و کف‌پوش‌های جایگزین فرش دست باف در داخل و خارج از کشور یعنی انواع فرش‌های ماشینی و همچنین تغییر در سبک زندگی و استفاده از انواع موکت‌ها، پارکت‌ها و کف‌پوش‌های صنعتی از عوامل دیگری بودند که به بازار فرش دست باف آسیب رساندند. هدفمندی یارانه‌ها نیز از دیگر دلایلی بود که بعضی از فعالان این عرصه را از گردونه تولید خارج کرد.
در شرایط فعلی نیز فرش دست باف با چالش های متعددی همچون از دست دادن بازارهای سنتی و نبود تلاش برای دست‌یابی مجدد به آن، بازارسازی نکردن در کشورهای دیگر همچون روسیه و چین، وجود نداشتن زیرساخت های مناسب برای ارسال کالا در استان مانند ایرلاین و مشکلات گمرکی، سرقت طرح های ایرانی، ناهماهنگی تولید با نیاز بازار، نبود تبلیغات و بازاریابی بهینه و... مواجه است که باید این چالش ها با ارائه کمک های فنی و اعتباری، معافیت های مالیاتی، گسترش پوشش بیمه ای، خلاقیت در طرح و ثبت آن، حضور در نمایشگاه های بین المللی و ترغیب مصرف کنندگان به خرید محصولات این بخش، مرتفع شود.